

ابعاد تکان دهنده سوانح ناشی از کار

سازمان فدائیان (اقلیت)

بیست چهارم بهمن ماه هشتاد و شش

معاون وزیر کارچنین اعلام نمود که در سال گذشته، بیش از ۱۰ هزار و ۴۰۰ کارگر، قربانی حوادث ناشی از کار شده اند و بخش صنعت با ۴۷ درصد، بیشترین میزان حوادث را داشته است. یک مقام دولتی دیگر نیز تصریح نمود که میزان حوادث ناشی از کار در سال ۸۵، نسبت به سال های قبل از آن افزایش یافته است.

ابعاد سوانح ناشی از کار آن قدر گسترده و شمار مرگ و میر کارگران به قدری زیاد شده است که دیگر حتما مسئولین دولتی نیز نمی توانند آن را کتمان کنند.

در اثر فقدان امکانات ایمنی، بهداشتی و حفاظتی در کارخانه ها، شرکت ها و مؤسسات تولیدی و صنعتی، هر روزه دهها و صدها کارگر دچار مرگ و سانحه می شوند.

شرکت ایران خودرو از جمله این شرکت هاست. شرکت ایران خودرو، به قتلگاه کارگران تبدیل شده است. طی دو سال گذشته، دهها کارگر این کارخانه، در اثر سوانح ناشی از کار که پیوسته در حال افزایش است، جان خود را از دست داده و یا دچار نقص عضو شده اند. پیش از آن که خون حسین صادق زاده، خاتمبری، فریدون گلستانی، وحید امینی، یاسر یوسفی، حسین قاسمی، حسین مؤیدی، پیمان رضی لو و امید اولادی از درودیوار و کف کارخانه ایران خودرو پاک شده باشد، ایران خودرو، بار دیگر از میان کارگران قربانی گرفت.

علی اکبر شورگشتی، کارگر انبار ریخته گری، در اثر سقوط پالت از روی دستگاه لیفتراک، در برابر چشم همکاران خود، جان خویش را از دست داد. این سانحه روز ۱۵ شهریور اتفاق افتاد. اما هنوز دو هفته از این حادثه نگذشته بود که علی امامی، کارگر ۲۶ ساله سالن پرس شماره سه همین کارخانه نیز، دچار سانحه شد و بر اثر برخورد دو قالب که وی در میان آنها گیر کرده بود، جان خود را از دست داد. این واقعه ایست انکار ناپذیر که حوادث ناشی از کار و سوانحی که منجر به مرگ یا نقص عضو و آسیب های جدی کارگری شود، در شرکت ایران خودرو، به ویژه پس از واگذاری بخش های مختلف این واحد به شرکت های پیمان کاری- به شدت افزایش یافته است. اما مرگ کارگران در حین انجام کار، به شرکت ایران خودرو محدود نمی شود، چراکه حرص و آز سرمایه داران ایران برای کسب سود بیشتر و سیاست صرفه جوئی و کاهش هزینه ها، به بهای جان و زندگی کارگر، منحصر به این یا آن سرمایه دار و این یا آن کارخانه نمی شود. آزمندی و سودپرستی، خصلت تمامی سرمایه داران، و سیاست صرفه جوئی و کاهش هزینه به حساب کارگر نیز، یک پدیده رایج شیوه تولید سرمایه داری ست که تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به حد اعلائی خود رسیده است. بنابراین، کارگران ایران، نه فقط در ایران خودرو، بلکه در تمام کارخانه ها و شرکت هائی که عموماً فاقد حداقل های ایمنی، بهداشتی و حفاظتی اند، در هر لحظه در معرض خطر مرگ، نقص عضو و آسیب های جدی قرار دارند.

شرکت خودروسازی سایپا، نمونه دیگری از این شرکت هاست. خودروسازی سایپا نیز روز بیست و هفتم تیرماه، یک کارگر ۲۷ساله این شرکت را به کام مرگ فرستاد. علی سرحدی، کارگر سالن پرس شرکت خودروسازی سایپا، هنگام کار با یک دستگاه پرس پانصد تنی، ناگهان بخشی از بدنش از سمت سر و تنه، به زیردستگاه پرس رفت و در دم، جان داد. علی سرحدی کارگر جوان سایپا در شرایطی دچار این سانحه شد که مدت سه سال به عنوان پرسکاردرسالن پرس کار کرده بود. او که در تدارک مراسم عروسی خود بود، ناگهان به سرنوشت همکاران خود، ابولقاسم احمدی و علی آدینه دچار شد که در اثر سقوط، جان خویش را از دست داده بودند.

بیست و پنجم شهریور ماه، علینار علایی کارگر ۴۵ ساله فولاد مبارکه اصفهان، هنگام نظافت ریل ها، جان خود را از دست داد. شایان ذکر است که کارگران نظافت صنعتی، مجبور هستند هنگام گردش نقاله، کار نظافت ریل ها را انجام دهند. این کارگران، در عین حال برای جلوگیری از نشستن گردو خاک و غبار فلزات بر سر خود، پارچه ضخیمی را به صورت مقنعه حفاظتی به سر می کنند. هنگامی که علینار مشغول نظافت ریل ها بود، قسمتی از مقنعه حفاظتی وی، بین نوار نقاله گیر کرد و او را به داخل دستگاه کشید و بلافاصله استخوان های قفسه سینه وی را خرد و خمیر ساخت. همکاران علینار، بازحمت و احتیاط، او را از بین نوار نقاله بیرون کشیدند، اما قبل از رسیدن آمبولانس، علینار جان خود را از دست داده بود.

دهم آذرماه، در حالی که کارگران پروژه اجرائی بزرگ راه پردیس، در دامنه کوه، برای تعریض جاده، در حال قالب بندی پل بودند، کوه ریزش نمود. باریزش کوه، تعدادی از کارگران توانستند به موقع از محل بگریزند، اما احمد، کارگر بیست ساله، در زیر آوار خروارها خاک و سنگ ماند و جان خود را از دست داد. در شهر قدس نیز هشت کارگر ساختمانی که مشغول گود برداری یک پاساژ در دست احداث بودند، بر اثر ریزش دیوار محل گودبرداری، زیر خروارها خاک مدفون و زنده به گور شدند.

یکم بهمن ماه ملک علی کریمی، کارگر شرکت واحد، هنگامی که مشغول شارژ کردن باطری اتوبوسی بود که به دلیل سرمای زیاد، از کار افتاده بود، از ناحیه سر دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

چهارم بهمن ماه، یک کارگر کارخانه کاغذ سازی الموت قزوین، در حین کار به داخل دیگ خمیر زنی افتاد و جان خود را از دست داد. نام این کارگر، کیماسی بود و قرارداد یک ماهه داشت.

دربخش ساختمان سازی، اوضاع بسیار وخیم تر و فاجعه بارتر است. صنعت ساختمان با دارا بودن ۳۰ درصد مرگ و میر، بیشترین فوت حوادث ناشی از کار را دارد. از ۳۰ هزار گزارش حوادث ساختمانی در سال هشتاد و پنج، ۱۶ درصد یعنی ۴۸۰۰ مورد، منجر به مرگ کارگر شده است.

به دهها نمونه دیگر از این گونه فجایع می توان اشاره کرد. اما نیازی به طولانی تر کردن این لیست، نیست. از روی همین چند نمونه مرگ دلخراش کارگران در حین انجام کار، به آسانی میتوان به این مسئله پی برد که کارگران ایران، در تحت شرایطی به کار واداشته می شوند، که نه فقط از استانداردهای بین المللی در آن خبری نیست، بلکه مطلقاً فاقد امکانات اولیه حفاظتی و ایمنی است. این چند نمونه، تنها جزء کوچکی از مجموعه رویدادها و سوانح دردناکی است که هرروزه در اقصا نقاط کشور در محیط های کار اتفاق می افتد. این نمونه ها، در عین حال شمه ای از ابعاد تکان دهنده

جنایاتی را که طبقه سرمایه دار علیه طبقه کارگر مرتکب می شود، بر ملا می سازد.

فاجعه قتل و کشتار کارگران در محیط های کار یا سوانح ناشی از کار، آن قدر بزرگ و هولناک است که اکنون برخی مقامات دولتی نیز - هرچند با اهداف و مقاصد خود - به عدم رعایت اصول ایمنی در محیط های کار و افزایش میزان حوادث ناشی از کار اعتراف می کنند.

در سال گذشته بیش از ۱۰ هزار و ۴۰ کارگر قربانی حوادث ناشی از کار شده اند. این آمار را ابراهیم نظری جلالی، معاون وزیر کار اعلام نمود. خبرگزاری ایسنا در تاریخ ۹/ ۱۱/ ۸۶ به نقل از محمد صادق طباطبائی، معاون درمانی تامین اجتماعی استان قزوین نیز، همین موضوع را تکرار نمود و افزود، علت وقوع ۷۰ درصد از این حوادث رعایت نشدن اصول ایمنی و حفاظت، توسط کارفرما بوده است. نامبرده که در "همایش سلامت شغلی کارگران"، ویژه مدیران کارخانه های استان قزوین صحبت می کرد، به صراحت اعلام نمود که سالانه آمار حوادث ناشی از کار غیر ایمنی در کشور، روبه افزایش است. وی گفت، آمار حوادث ناشی از کار از ۱۶ هزار و ۳۸۲ مورد در سال ۸۲ به ۲۵ هزار مورد در سال ۸۵ افزایش یافته است.

معنای این سخن مقام دولتی در "همایش سلامت شغلی کارگران" این است که در ظرف سه سال بیش از ۵۰ درصد بر میزان سوانح ناشی از کار افزوده شده است و کارگران هم مطلقاً فاقد سلامت شغلی اند! معنای دیگر ۲۵ هزار سانحه و ۱۰ هزار و ۴۰ قربانی در سال، این است که در سال ۸۵، در هر یک شبانه روز ۶۸ کارگر دچار سانحه و به نحوی از انحاء مصدوم شده و ۲۷ کارگر قربانی سانحه ناشی از کار شده اند.

باید در نظر داشت که این آمار و ارقام و میزان سوانح ناشی از کار، اگرچه به خودی خود، بسیار فاجعه بار و تکان دهنده می باشند، اما اولاً آمار و ارقام واقعی نیستند و هنوز تمام سوانح ناشی از کار را در بر نمی گیرند، و ثانیاً به فرض صحت آن و دربرگرفتن تمام حوادث ناشی از کار، تنها بازتاب دهنده میزان سوانح ناشی از کار در کارخانه ها و کارگاه هائیکست که مشمول قانون کار و بازرسی وزارت کار هستند. از دو میلیون و ۶۱۴ هزار کل کارگاه های فعال کشور، بیش از دو میلیون و ۴۷۶ هزار کارگاه، یعنی حدود ۹۴ درصد آن را، کارگاه های کوچک زیرده نفر تشکیل می دهند. ۵۱ درصد از کل جمعیت کارگری ایران در همین کارگاه های کوچک زیر ده نفر مشغول به کارند. به عبارت دیگر در این دسته از کارگاه ها، نه فقط کارگران از شمول قانون کار و برخی قوانین حمایتی وزارت کار محروم اند، بلکه هیچ گونه ضابطه ای هم بر شرایط کار در این کارگاه ها حاکم نیست. نه بر سلامت کارگران و نه بر شرایط کار آنها از لحاظ، ایمنی، بهداشتی و حفاظتی، هیچگونه نظارتی اعمال نمی شود. در زمینه بازرسی نیز مسئله به همین صورت است. بازرسان وزارت کار، کار بازرسی و نظارت - هرچند بوروکراتیک- را در واحدها و موسسات بابیش از ده کارگر که در آنها قانون کار به اجرا گذاشته می شود دنبال می کنند. اما در کارگاه های کوچک کمتر از ده کارگر که طبق اظهارات معاون وزیر کار بیش از نیمی از کل جمعیت کارگری کشور در این کارگاه ها کار می کنند، بازرسی وزارت کار، صرف نظر از ماهیت و نتایج آن، به کلی منتفی است و در قبال مرگ کارگران و دیگر سوانح ناشی از کار، حتا به لحاظ ظاهری و اداری نیز کسی پاسخگو نیست. با این حساب، این مسئله کاملاً روشن است که میزان مرگ و میر و سوانح ناشی از کار در واحدهای کوچک کمتر از ده کارگر نیز که عموماً در محاسبات آماری رژیم در نظر گرفته نمی شود، بسیار بالاست. بنابراین اگر که این فاکتور ها را نیز در نظر بگیریم، متوسط میزان سوانح ناشی از کار، از ارقام اعلام شده نیز بسیار

افزون تر می شود و ابعاد جنایات سرمایه داران علیه کارگران نیز بسیار فاجعه بار تر و تکان دهنده تر. کارگر را در محیطی به کاروامی دارند که فاقد هرگونه امکانات بهداشتی، ایمنی و حفاظتی است. کارگر را در محیطی به کار و میدارند که آلوده به گردوغبار و آلاینده های گوناگون شیمیائی است. کارگر را پای دستگاهی می فرستند که هیچ گونه آموزشی پیرامون طرز کار با آن دستگاه را، به وی نداده اند. از کارگر ساعات طولانی کار و اضافه کاری می کشند، کارگر را خسته و فرسوده می کنند، دستمزد کافی به کارگر نمی دهند، او را گرسنه نگاه می دارند و هزار و یک کمبود و نگرانی و استرس برای کارگر ایجاد میکنند. چماق اخراج و بیکاری، عدم اعتماد و اطمینان به ادامه کاری و بی آیندگی را بر فراز سر کارگر نگاه می دارند. کارگر را پای دستگاه های کهنه، فرسوده، از رده خارج شده و غیر استاندارد می فرستند و در عین حال نه فقط به سادگی حاضر نمی شوند در زمینه هائیکه به سلامت کارگر و بهداشت و ایمنی محیط کار بر می گردد، پولی خرج کنند، بلکه بطرز غیر قابل باوری، در این زمینه ها از خود، خست نشان می دهند. در یک کلام برای افزایش سود و کاهش هزینه ها، سرمایه داران و دولت آنها، بادرستان خود، عملا کارگران را به دامان سوانح پرتاب می کنند.

آمار سوانح ناشی از کار، بار دیگر بر این واقعیت صحه می گذارد که طبقه سرمایه دار ایران و دولت حامی آن، در چه شرایطی به غایت وحشیانه و برده واری طبقه کارگر را استثمار می کنند و بی هیچ دغدغه ای، جان و زندگی کارگر را قربانی مطامع خویش می سازند. آمار دهشتناک کشتار کارگران و سوانح ناشی از کار، بار دیگر نشان می دهد که اگر برخورد سرمایه دار و شیوه تولید سرمایه داری نسبت به وسائل تولید، ماشین آلات، کارافزار و مصالح تولید فوق العاده با خست و قناعت توأم است، در عوض به همان نسبت و بسیار بیشتر از آن، نسبت به کار زنده (کارگر) دست و دل باز و اسراف کار است.

سازمان فدائیان (اقلیت)

کار ۵۱۹-نیمه دوم بهمن ۸۶